

مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال ۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴، شماره پیاپی ۱۲

شاپای الکترونیکی: ۲۳۸۳-۲۴۹۵

شاپای چاپی: ۲۳۲۲-۲۵۱۴

<http://jrpp.um.ac.ir>

بررسی عناصر فضایی - کالبدی تأثیرگذار بر مسکن روستایی (مطالعه موردی: روستاهای دیزباد بالا، فریزی و آیدلیک)

اباصلت عسکری رابری^۱ - شهاب عباس زاده^۲ - علی اصغر آبرون^۳

۱- مربی معماری دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

۲- استادیار معماری دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

۳- کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۲۷ صص ۱۹۳-۱۷۷ تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۰۹/۰۱

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، شناخت ویژگی‌ها و اصول شکل‌گیری و عناصر مختلف فضایی- کالبدی شکل‌دهنده گونه‌های مسکن روستایی در مناطقی از خراسان رضوی و استخراج عناصر کارآمد آن است تا علاوه بر دریافت صحیح مفاهیم و اصول سازمان‌یافته مسکن در منطقه مورد مطالعه، بتواند بخشی از ویژگی‌های این عناصر و دلایل وجودی آن‌ها را ثبت کند.

روش: روش انجام تحقیق در این پژوهش، ترکیبی از روش توصیفی- تحلیلی و استنباطی است که با مطالعه منابع اسنادی، حضور در بافت و مشاهده و برداشت بناها و منازل مسکونی در چارچوب مطالعه نمونه‌های موردی روستاهای دیزباد بالا، فریزی و آیدلیک از خراسان و تحلیل استنباطی اطلاعات گردآوری شده صورت گرفته است.

یافته‌ها و نتایج: این پژوهش، ابتدا مؤلفه‌های کالبدی، فعالیت و اقلیمی مؤثر بر گونه‌شناسی مسکن روستایی را بیان می‌کند. سپس، در قالب نمونه‌های موردی پژوهش حاضر، توسط نقشه‌ها و دیاگرام‌های توصیفی- تحلیلی مؤلفه‌های مذکور را مورد بررسی قرار داده و در نهایت، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری عناصر فضایی- کالبدی مسکن روستایی را بیان می‌کند. در مجموع، می‌توان گونه مسکن روستایی را متأثر از چهار زمینه کلی دانست. این چهار زمینه شامل شرایط منطقه‌ای، جغرافیایی، اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی هستند که در کنار هم شرایط معیشت مسکن، طبیعت مسکن و در نهایت، سنت ساختمان مسکن روستایی را شکل می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: مسکن روستایی، گونه مسکن روستایی، عناصر فضایی- کالبدی، خراسان رضوی.

ارجاع: عسکری رابری، ا.، عباس‌زاده، ش. و آبرون، ع. ا. (۱۳۹۴). بررسی عناصر فضایی- کالبدی تأثیرگذار بر مسکن روستایی (مطالعه موردی: روستاهای دیزباد بالا، فریزی و آیدلیک). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۴(۴)، ۱۷۷-۱۹۳.

<http://jrpp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/46814>

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسئله

بی‌تردید اولین خاطرات و تجارب انسان در خانه به وجود می‌آید که نقش مؤثری در جهان‌بینی هر انسان و در نتیجه، جهان‌بینی جامعه دارد. عدم توجه به انسان، نحوه کار، شیوه زندگی، خواسته‌ها و تجارب او در طراحی مسکن امروز و روی آوردن به معماری وارداتی، پایین آمدن کیفیت زندگی مسکونی، از بین رفتن حیات، سرزندگی، تحرک، بحران مسکن و همچنین، بحران حس تعلق و هویت را به همراه داشته است (هدایت و طبائیان، ۱۳۹۱، ص. ۳۵). مسکن را می‌توان از ابعاد مختلف ساختاری، کارکردی، رفتاری، تکاملی، فضایی و غیره مورد مطالعه قرار داد (وثوقی، ۱۳۷۷، ص. ۷). از این رو، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که هر یک از اجزای مسکن بنا به یک ضرورت و در رابطه با عوامل متعدد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، طبیعی، تاریخی و غیره به اشکال گوناگون حاصل شده است.

ایران کشوری نیمه‌روستایی است، یکی از عناصر مهم در فضای روستاها مقوله مسکن است (حاجی ابراهیم زرگر، ۱۳۸۵، ص. ۵) که به عنوان نمادی از چگونگی تعامل و ارتباط انسان با محیط طبیعی پیرامون خویش، طی سالیان متمادی بر حسب شرایط زمانی- مکانی (به‌ویژه تاریخ، فرهنگ و مبانی اقتصادی- ایدئولوژیکی سازندگان آن) در هر منطقه شکل گرفته است (حسینی ابری، ۱۳۸۰، ص. ۲۸). مسکن به خودی خود به مثابه ویتروینی منعکس‌کننده نوع فعالیت‌ها در ابعاد اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی و نوع بینش روستاییان و نحوه ورود و تأثیرگذاری تکنولوژی بر زندگی آن‌ها و در نهایت، نشان‌دهنده میزان درآمد و نوع معیشت ساکنان آن است.

به طور کلی، عرصه‌های روستایی به عنوان یک واقعیت مکانی- فضایی، برآیندی از تعامل مؤلفه‌های متفاوت اکولوژیکی- کالبدی، اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی- سیاسی است که بنا بر مقتضیات زمان و با ملاحظه وضعیت ساختاری- کارکردی آن فضای جغرافیایی شکل گرفته‌اند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۶، ص. ۴۷). با شروع نگرش‌ها در کشور به مسأله بهبود کیفیت مسکن روستایی در جهت کنترل، توسعه و هدایت، حیات روستاها دقت نظر در باره روستا و مسکن مطرح شد. به طور منطقی، طراحی و مداخله در بافت و کالبد روستا با طرحی بی‌مطالعه و شهری‌نما بدون شناخت و نیازسنجی روستا و

روستایی، نوعی گمراهی و بی‌راهه‌روی است که شکاف اقتصادی- اجتماعی موجود بین سکونت‌گاه‌های روستایی در مقابل نمونه شهری آن خود حاکی از این مطلب است (شایان و کهنه پوشی، ۱۳۹۲). اولین گام برای مداخله صحیح در بافت روستا، شناخت محیط و پیچیدگی‌های امر مداخله در کالبد روستاست (حاجی ابراهیم زرگر، ۱۳۸۵، ص. ۲۳۹). در این باب، پیچیدگی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر این بافت کالبدی و شناسایی آن‌ها خود مقوله‌ای است که جهد و کوشش مضاعف را طلب می‌کند.

در واقع، روستا یک پدیده چندعاملی واحد است؛ به گونه‌ای که شامل عده‌ای از مردم می‌شود که شغل و فعالیت تولیدی ویژه‌ای دارند، در جغرافیا و محیط معین و مشخص و مقیدی زندگی می‌کنند، با یک‌دیگر روابط و مناسبات ویژه و تعریف شده‌ای دارند، و بر باورها، اعتقادات و ارزش‌های ویژه‌ای پای بندند. از این رو، آن چیزی که تمامیت بنای روستا را می‌سازد، هم‌پیوندی واحدی از تمام عوامل مذکور است (حاجی ابراهیم زرگر، ۱۳۸۵، ص. ۳۱) که در این پژوهش به دنبال واکاوی آن عوامل در قالب یک واحد فضایی کالبدی به نام مسکن روستایی است. از این رو، راه تعامل با این حجم انبوه اطلاعات، دسته‌بندی، شناخت، تحلیل و ارزیابی و سپس، سیاست‌گذاری‌های طراحانه است و این دسته‌بندی اطلاعاتی کالبد- فرمی را می‌توان در طیف دستور کارهای گونه‌شناسی مسکن، جا داد.

بنابراین، این نوشتار سعی دارد تا با استفاده از اطلاعات برداشت‌شده از مجموعه نمونه‌های موردی در دسترس، با شیوه‌ای توصیفی- تحلیلی و استنباطی به واکاوی عناصر فضایی- کالبدی مؤثر بر گونه مسکن روستایی خراسان رضوی در نمونه‌های موردی بر پایه اطلاعات جمع‌آوری شده و برداشت‌شده، بپردازد.

۱.۲. پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهشی مرتبط با مطالعه حاضر در دو بخش کلی قابل تقسیم است که به طور عام شامل مطالعات صورت‌گرفته در مورد عوامل مؤثر بر مسکن و به طور خاص، مطالعات مربوط با عوامل مؤثر بر مسکن روستایی است. باید بیان کرد که در زمینه عوامل و عناصر مؤثر بر گونه مسکن به دلیل اهمیت و پیچیدگی‌های بحث تا کنون مباحث متعددی مطرح شده است: راپاپورت (۱۳۸۸) مسکن را حاصل کنشی چندساحتی که در نتیجه ترکیب عوامل متعدد شکل می‌گیرد، تعریف می‌کند. به همین ترتیب است که پور دیهیمی (۱۳۹۰) گاه مسکن را نه

(۱۳۹۲) بر نقش مناسبات اجتماعی روستاییان بر الگوی مسکن آن‌ها تأکید دارد.

از این رو، این پژوهش سعی دارد تا در کنار جمع‌بندی نظریات مذکور مطرح در زمینه مسکن، به صورت عام و در زمینه مسکن روستایی به صورت خاص، از طریق مطالعه میدانی، نوع ارتباط عوامل و عناصر مؤثر بر این گونه ارزشمند از سکونت را شناسایی و تبیین کند.

۲. روش‌شناسی تحقیق

۱.۲. قلمرو جغرافیایی تحقیق

محدوده مورد مطالعه، سکونت‌گاه‌های روستایی استان خراسان شامل روستاهای آیدالیک، دیزباد بالا، فریزی است که همه روستاهای مذکور در استان خراسان رضوی واقع هستند.

تنها به عنوان یک ساختار که به عنوان یک «نهاد» مطرح می‌کند. وثوقی (۱۳۷۷) و همچنین، هدایت و طبائیان (۱۳۹۱)، در نگرشی کلی عموماً عوامل مؤثر در شکل‌گیری مسکن را در پنج دسته عمده: عوامل زیست‌محیطی و طبیعی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و عوامل فنی تقسیم کرده‌اند. امروزه در کنار تبیین ضرورت‌های توسعه مناطق روستایی، تفاوت‌های خاص عمل برنامه‌ریزی و طراحی در مناطق روستایی با مناطق شهری موضوعیست که بیش از پیش مطرح می‌شود (سرتیپی پور، ۱۳۹۱). حسینی ابری (۱۳۸۰)، برای مسکن روستایی در کنار نقش استراحت‌گاهی و مامن خانوادگی، نقش‌های تولیدی، معیشتی، انباری و کارگاهی را نیز متصور است. سعیدی و امینی (۱۳۸۹) علاوه بر ویژگی‌های محیط طبیعی، شکل و الگوی مسکن روستایی را به نحوی آشکار بازتاب روابط کالبدی- فضایی و مناسبات اجتماعی- اقتصادی و نیز تأثیرات فرهنگی به شمار می‌آورند و همچنین است که عنابستانی



شکل ۱- موقعیت قرارگیری نمونه‌های مورد پژوهش

مأخذ: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان رضوی، ۱۳۹۰

است. در منابع به خاصیت بادگیربودن این منطقه اشاره شده است که وزش بادهای منطقه بر جهت‌گیری و نوع الگوی مسکن مؤثر بوده است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰)

۱.۱.۲. روستای دیزباد بالا

روستای دیزباد بالا در شرق شهرستان نیشابور از توابع بخش زبرخان این شهرستان، بر دامنه جنوبی رشته کوه‌های بینالود به صورت شرقی- غربی و به صورت پلکانی استقرار یافته



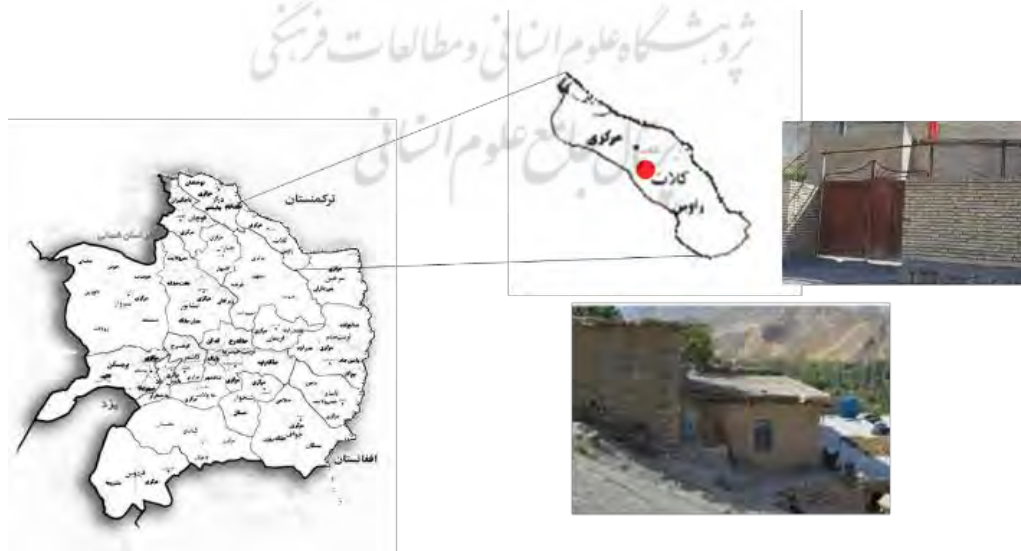
شکل ۲- موقعیت قرارگیری روستای دیزباد بالا

مأخذ: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان خراسان رضوی، ۱۳۹۰

۲.۱.۲. روستای ایدلیک

روستای ایدلیک^۱ در قدیم به نام آبدلیک به مفهوم آب فراوان بوده است که به مرور زمان به ایده‌لیک به دلیل رویش فراوان درختان ایده (سنجد به زبان ترکی) تغییر نام داده است. این روستا در ۳۴ کیلومتری شهر کلات نادر واقع شده است. (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰).

به لحاظ موقعیت طبیعی، روستای دیزباد بالا یک روستای کوهستانی است و همین موضوع یکی از عناصر شکل‌دهنده روستا است. روستای دیزباد به جهت فرم، یک روستای مجتمع از نوع خطی به حساب می‌آید که مساکن، به صورت فشرده و غالباً بدون حیاط ساخته می‌شوند. عمده مصالح به‌کاررفته در بناها نیز از آجر و سنگ و چوب است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰).



شکل ۳- موقعیت قرارگیری روستای آیدلیک

مأخذ: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان خراسان رضوی، ۱۳۹۰

شالیکاری روستاییان شده است. آب و هوای روستا جزو آب و هوای معتدل کوهستانی محسوب می‌شود. دور تا دور روستا را

ایدلیک اولین روستا در مسیر استقرار رودخانه ایدلیک است که این رودخانه منبعی غنی برای تأمین آب کشاورزی و

۳.۱.۲. روستای فریزی

روستای فریزی در ۷۰ کیلومتری شهرستان مشهد و از توابع شهرستان چناران است. روستای فریزی در ناحیه‌ای کوهستانی و مرتفع واقع شده است. این روستا به دلیل وجود آبشارهای زیبا در نوع خود، خاص است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰).

اراضی شیب‌دار حاصل از رشته‌کوه‌های اطراف دربرگرفته است. از این رو، نوع استقرار روستا از نوع دره‌ای است که به صورت بافت پلکانی بروز می‌یابد. منازل این روستا در دره حاصل که رودخانه مذکور (ایدلیک) نیز از آن می‌گذرد، تشکیل شده است. مصالح به‌کاررفته در ابنیه روستا عمدتاً خشت خام، سنگ و چوب است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰).



شکل ۴- موقعیت قرارگیری روستای فریزی

مأخذ: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان خراسان رضوی، ۱۳۹۰

مساکن رو به جنوب قرار دارند (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰).

۳.۲. روش‌شناسی تحقیق

محدوده مورد مطالعه، سکونت‌گاه‌های روستایی استان خراسان، شامل روستاهای آیدالیک، دیزباد بالا، فریزی است. در بررسی وضعیت مسکن در این روستاها با رویکرد توصیفی-تحلیلی و استفاده از روش کیفی نمونه موردی^۲ (اسنادی-میدانی) و کمی (آنالیز داده‌های عددی) یا به عبارت دیگر، با استفاده از روش ترکیبی^۳ انجام شده است و منابع گردآوری اطلاعات در آن عبارت‌اند از: منابع اسنادی (مبانی نظری) و منابع کالبدی-فضایی (مشاهده و برداشت میدانی) است.

با توجه به وضعیت توپوگرافی خاص روستا ناشی از قرارگیری در ارتفاعات و وجود شیب و همچنین، با توجه به محدودیت منابع خاک، نوع ساخت و بافت، روستا به صورت پلکانی است. معماری واحدهای مسکونی در روستا مطابق با معماری بومی منطقه کوهستانی است. پیروی معماری روستا از شیوه‌های ساخت‌وساز ویژه کوهستان؛ از جمله گرایش غالب در ساخت مسکن پلکانی با سقفی مسطح را شاهد هستیم. مصالح مورد نیاز در ساخت، طبق سنت مرسوم در معماری بومی، عمدتاً از محل تأمین می‌شود. در هر واحد مسکونی انبار و محل نگهداری دام تعبیه شده است. جهت قرارگیری ساختمان از جهت باد غالب تبعیت کرده است. اکثر پنجره‌ها و بازشوه‌های

دشوار است (اهری، حبیبی، خسرو خاور و ارجمند نیا، ۱۳۶۷، ص. ۷؛ پور دیهیمی، ۱۳۹۰، ص. ۱۴). مسکن، این کوچک‌ترین عنصر سکونت‌گاه‌ها، زاییده مهم‌ترین احتیاجات انسان‌هاست (تولون^۹، ۱۳۷۴، ص. ۵۶). مسکن از اساسی‌ترین نیازهای انسان، به عنوان پدیده‌ای چندنقشی و چندکارکردی است که بر کلیه شؤونات زندگی بشر تأثیر می‌گذارد (وثوقی، ۱۳۷۷، ص. ۶).

مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی به عنوان سرپناه که نیاز اولیه ساکنان است، کل محیط مسکونی را دربرمی‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تسهیلات مورد نیاز سکونت است. در واقع، تعریف و مفهوم عام مسکن، یک واحد مسکونی نیست؛ بلکه کل محیط مسکونی را شامل می‌شود (مخبر، ۱۳۶۳، ص. ۱۷). باید خاطرنشان کرد که یک بنا نشان‌دهنده کنش‌های متقابل عوامل متعدد و رابطه پیچیده آن‌هاست (حاجی ابراهیم زرگر، ۱۳۸۵، ص. ۳۱). به همین ترتیب گاه مسکن نه تنها به عنوان یک ساختار که به عنوان یک «نهاد» مطرح می‌شود (پور دیهیمی، ۱۳۹۰، ص. ۱۴) که حاصل کنشی چندساختی است و در نتیجه ترکیب عوامل متعدد شکل می‌گیرد (راپاپورت، ۱۳۸۸، ص. ۲۸).

۲.۳. عوامل شکل‌گیری مسکن

به طور معمول، الگوی سکونت در ارتباط با عوامل مختلف طبیعی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و غیره شکل می‌گیرد و به عبارتی، بازتابی از موارد مذکور است (وثوقی، ۱۳۷۷، ص. ۱۶).

در نگرش کلی و جامع، عموماً در شکل‌گیری مسکن عوامل متعددی بیان شده‌اند که می‌توان این عوامل را در پنج دسته عمده تقسیم کرد:

۱- عوامل زیست‌محیطی و طبیعی: اقلیم، ناهمواری‌ها، پوشش گیاهی، تکتونیک، زمین‌ساخت، مصالح قابل دسترس در طبیعت و غیره.

۲- عوامل فرهنگی و اجتماعی: مذهب، قومیت، جمعیت، پایگاه اجتماعی، شهرنشینی، سنت سکونت.

۳- عوامل اقتصادی: سرمایه‌گذاری، درآمد خانوار، هزینه ساخت، نحوه معیشت، زمین، نحوه تصرف و غیره.

۴- عوامل سیاسی: سیاست‌های کلان دولت، تسهیلات بانکی، تخصیص اعتبارات، دستگاه‌های اجرایی (سازمان‌ها و ارگان‌های عمومی و دولتی، بخش خصوصی، و بخش تعاونی).

با این‌که بعضی محققان «نمونه مورد مطالعه» را یک شی جهت پژوهش می‌دانند (استیک^۴، ۱۹۹۵)، مریام^۵، آن را یک متد پژوهش محدودشده به زمان و مکانی خاص می‌دانند (کرسول^۶، ۱۹۹۸، ص. ۶۱). معمولاً در پژوهش‌هایی که با یک نمونه موردی و زنده روبه‌رو بوده و به واکاوی درباره آن می‌پردازیم، یکی از منطقی‌ترین روش‌های پژوهش، نمونه موردی است. در این راستا، محقق با ساختاربندی گمانه پژوهش در پژوهش‌های کیفی، سعی در ردیابی اثر آن در نمونه مورد مطالعه و واحدهای آنالیز^۷ منتخب در آن دارد (بین^۸، ۲۰۰۳، ص. ۲۶). در پژوهش حاضر، گمانه پژوهش، تأثیرگذاری مؤلفه‌های فضایی-کالبدی بر شکل‌گیری مسکن روستایی بوده در جایی که واحد آنالیز تعدادی منتخب و محدود از روستاهای استان خراسان رضوی (به عنوان نمونه مورد مطالعه) هستند.

مطالعات اسنادی با توجه به هدف پژوهش به بررسی ادبیات موضوع مرتبط با موضوع و پیشینه پژوهش انجام شده است و مطالعات میدانی، در راستای مطالعات اسنادی صورت گرفته و در آن با استفاده از تکنیک‌های عکاسی و تهیه چک-لیست از عناصر کالبدی-فضایی، نمونه‌های موردی، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین، به منظور آنالیز و تحلیل داده‌های عددی از دیگرام‌های تحلیلی استفاده شده است.

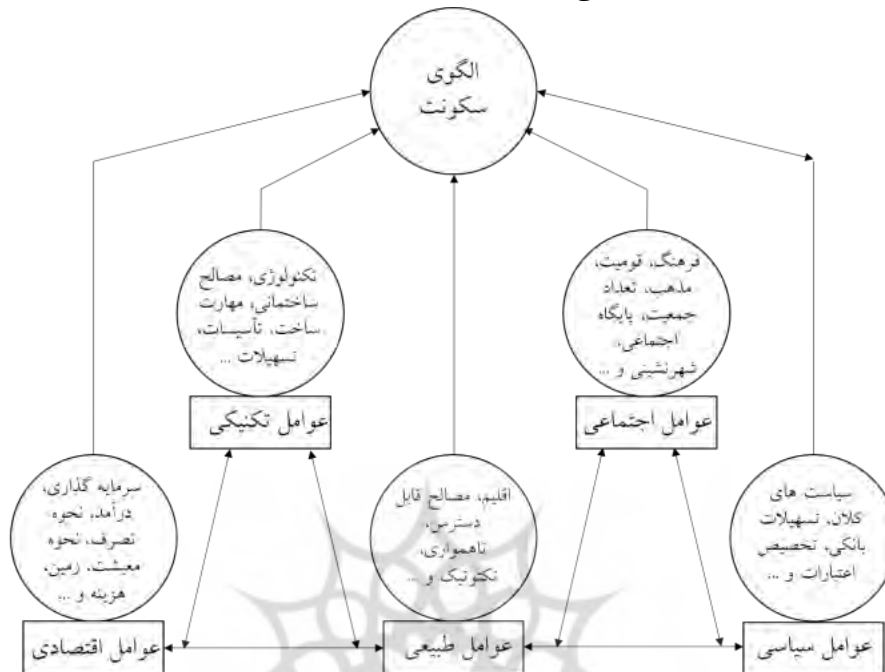
این مقاله، خود قسمتی از یک پژوهش بزرگ‌تر بوده است که در آن روستاهایی از خراسان رضوی مورد مطالعه کالبدی-فضایی قرار گرفته‌اند. به منظور انتخاب نمونه‌های موردی این پژوهش، معیارهایی از قبیل: وجود مشابیه‌های جغرافیایی، منطقه‌ای و اقلیمی، دارا بودن جذابیت‌های محیطی و طبیعی روستا، درجه قدمت ابنیه موجود در روستا، کیفیت فعالیت‌های مدیریت محلی روستا و میزان اجرای برنامه‌های طرح هادی روستایی و همچنین، کیفیت حیات روستایی مدنظر بوده است که در نهایت، روستاهای آیدالیک، دیزباد بالا، فریزی، انتخاب شدند و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند.

۳. مبانی نظری تحقیق

۳.۱. مسکن

محیط زیست و در متن آن مسکن و ساختمان از ابداعات و دست‌ساخته‌های بدیع و همیشگی انسان در هر فرهنگ و تمدن بوده و هنوز از تازگی، شگرفی، مطلوبیت و پیچیدگی در تمام ابعاد برخوردار است (عبدالحسینی، ۱۳۹۰، ص. ۱۴). مقوله مسکن گسترده و پیچیده و ارایه تعریفی واحد بر آن

۵- عوامل فنی: تکنولوژی ساخت، نیروی انسانی ماهر، مصالح ساختمانی، زمین و نحوه دسترسی، تهیه نقشه‌های محاسباتی، تأسیسات و تسهیلات و غیره است (وثوقی، ۱۳۷۷، ص. ۲۹؛ هدایت و طبائیان، ۱۳۹۱، ص. ۳۵؛ تولون، ۱۳۷۴، ص. ۱۳۶).



شکل ۵- عوامل عمده مؤثر در شکل گیری مسکن

مأخذ: وثوقی، ۱۳۷۷، ص. ۳۰

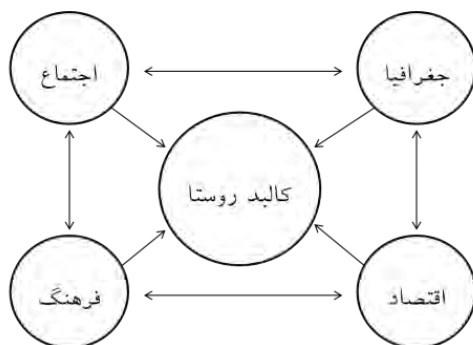
۳.۳. مسکن روستایی

اصیل ترین و در عین حال، پیچیده ترین صورت مسکن انسان‌های یک‌جانشین، مسکن روستایی است (حسینی ابری، ۱۳۸۰، ص. ۲۸) که عموماً معماری بومی و به خصوص معماری روستایی دارای خطوط ارتباط مستقیم، بلاواسطه و محکمی با فرهنگ روستاییان و زندگی روزمره آن‌ها است (حاجی ابراهیم، ۱۳۸۵، ص. ۹)

معماری روستایی در قالب سنتی عامیانه که به صورت بلاواسطه و ناخودآگاه، در بطن یک فرهنگ قوام می‌یابد، ادراکی از جهان است که به وضوح خود را نشان (حاجی ابراهیم زرگر، ۱۳۸۵، ص. ۹). از این رو، در نظر داریم که عنصر اصلی در معماری روستا، خود فرد روستایی است که به دلیل محدودیت‌هایی که با آن‌ها روبه‌رو بوده و هست، با تیزهوشی و خلاقیت، با شناخت دقیق و عمیق طبیعت و محیط، با آگاهی تجربی از قابلیت مواد و مصالح و با درک درست و عملی از نیازهای خود، محیطی مطلوب خود به وجود آورده است (حاجی ابراهیم زرگر، ۱۳۸۵، ص. ۲۳۹) که مسکن روستایی نه تنها نقش استراحت-گاهی؛ بلکه نقش‌های تولیدی، معیشتی، انباری و کارگاهی را در روستاها بر عهده دارند» (حسینی ابری، ۱۳۸۰، ص. ۲۸).

۴.۳. عوامل شکل‌گیری مسکن روستایی

همان‌گونه که معمولاً مسکن را متأثر از عوامل گوناگون می‌دانند، مسکن روستایی نیز متأثر از کنش عوامل متعدد است. نگاهی جامع و کل‌نگر به مسکن روستایی نشان می‌دهد که مسکن روستایی پدیده‌ای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مکانی کالبدی است که با هدف فراهم کردن شرایط مناسب زیست و زندگی بر پا می‌شود (سرتیپی پور، ۱۳۹۱).



شکل ۶- دیاگرام ارتباط متقابل عوامل مؤثر در معماری کالبد روستا

مأخذ: حاجی ابراهیم زرگر، ۱۳۸۵، ص. ۳۰

۳.۵. ویژگی‌های معماری روستایی

مسکن و بافت روستا، پدیده‌ای چندجانبه و بسیار سنجیده و پیچیده است. مسکن روستایی چیزی بیش از سرپناه است (حاجی ابراهیم زرگر، ۱۳۸۵، ص. ۲۳۹). می‌توان گفت که مردم در مناطق روستایی انتظار کارکردهای بیشتری از مسکن دارند. برای فرد روستایی، مسکن فقط یک استراحت‌گاه صرف نیست؛ بلکه علاوه بر نقش‌های اجتماعی- فرهنگی، کارگاه، انبار و محل نگهداری دام نیز هست؛ به عبارتی مسکن روستایی علاوه بر این که یک واحد استراحت‌گاهی- رفاهی است، یک واحد اقتصادی نیز هست (وثوقی، ۱۳۷۷، ص. ۷).

در برپایی این نوع مسکن، حداکثر تبعیت از محیط جغرافیایی پیرامون، چگونگی آرایش فضای داخلی، هزینه‌ها و کاربری‌ها در نظر گرفته می‌شوند، مسکن در کنار نقش استراحت‌گاهی، نقش تولیدی و معیشتی را نیز بر عهده دارد و واحد مسکونی، جهت‌گیری تولیدی خاصی را نشان می‌دهد (وثوقی، ۱۳۷۷، ص. ۱۷). همچنین، پژوهش‌ها در کشور حاکی از تأثیرپذیری مسکن روستایی از باورهای اجتماعی چون قناعت در زندگی است (سرتیپی پور، ۱۳۸۶، ص. ۲). در این میان، اندیشه سازگاری خانه با محیط طبیعی از جمله مسائلی بوده است که ذهن سازنده خانه را همواره به خود مشغول داشته است و این دل‌مشغولی از یک‌سو به منظور مقابله با شرایط آب‌وهوایی محیط خارج صورت می‌گیرد و از سوی دیگر، به منظور تقلیل هزینه‌ها و کاستن از زحماتی که احداث بنا پیش می‌آورد، است (قره نژاد، ۱۳۸۱، ص. ۳۱۹)، بهره‌برداری هوشمندانه روستاییان از مواد و مصالح موجود در دسترس برای ساخت منازل خویش (حاجی ابراهیم زرگر، ۱۳۸۵، ص. ۱۶۳) و همچنین، برخی از این ویژگی‌ها را این‌گونه لیست کرده‌اند: ارتباط مستقیم، بلاواسطه و محکم با فرهنگ توده مردم و زندگی روزمره آن‌ها، ساخت بناها با همه هوش و ظرفیت مردم شکل گرفته است، از تمام روابط موجود بین ساکنان روستا در تدارک و ساخت استفاده شده است، از بینش و شناخت و دانش حاصل از مشارکت و همراهی سایر افراد برخوردار است، معمولاً هر فرد فعال می‌تواند خانه خود را شخصاً بنا کند و یا در ساخت آن مشارکت جدی داشته باشد، به دلیل سنتی بودن جامعه، شکل مسکن که به منزله الگویی مورد قبول همگان است، به شدت در مقابل تغییرات مقاوم است و همه این موارد بیان‌گر رابطه مستقیم موجود بین شکل ظاهری مسکن و فرهنگی است که این شکل‌ها در چارچوب آن به وجود آمده‌اند (حاجی ابراهیم زرگر، ۱۳۸۵، صص. ۱۰-۱۱).

همان‌طور که در ابتدا نیز شرح شد، برای تمهید و انجام هرگونه برنامه‌ریزی و مداخله به منظور هدایت، کنترل و توسعه در این زمینه (مسکن روستایی) رسیدن به شناخت و آگاهی از چند و چون این اجزاء، ضروری به نظر می‌رسد.

۳.۶. گونه‌شناسی

واژه تیپولوژی یا گونه‌شناسی در فرهنگ غربی از ریشه کلمه تایپ گرفته شده است. در زبان انگلیسی معادل واژه‌های مدل، دسته، ویژگی و غیره قرار دارد و در زبان فارسی، واژه گونه یا تیپ را می‌توان به گروه خاصی با یک ویژگی یا علامت مشخص نسبت داد (معماریان، طبرسا، ۱۳۹۲، ص. ۱۰۴).

گونه، مفهومی کلیدی در معماری و شهرسازی است. گونه به عنوان یک مفهوم، به نوع، طبقه، دسته یا گروهی از مردم یا اشیا اشاره دارد که ویژگی‌های مشترکی دارند و این ویژگی‌ها آن‌ها را از دیگر مردم یا اشیا متمایز می‌کند (راپاپورت، ۱۹۹۰، ص. ۴۸ به نقل از ذاکر حقیقی، ماجدی، حبیب، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۶). به همین ترتیب، گونه‌شناسی به تلاشی برای قراردادن مجموعه‌ای از اشیای پیچیده در یک مجموعه منظم برای دستیابی به عمومیت بیشتر در جهت شناخت و برنامه‌ریزی اشاره دارد (ذاکر حقیقی، ماجدی، حبیب، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۶).

۳.۷. مؤلفه‌های مؤثر فضایی- کالبدی در شکل‌گیری گونه-

های مسکن روستایی

عناصر فضایی کالبدی مؤثر بر گونه [شناسی] مسکن روستایی مورد مطالعه، طبق مطالعات انجام‌شده، در هشت دسته ذیل قرار می‌گیرند:



شکل ۸- عناصر فضایی- کالبدی مؤثر بر گونه مسکن روستایی

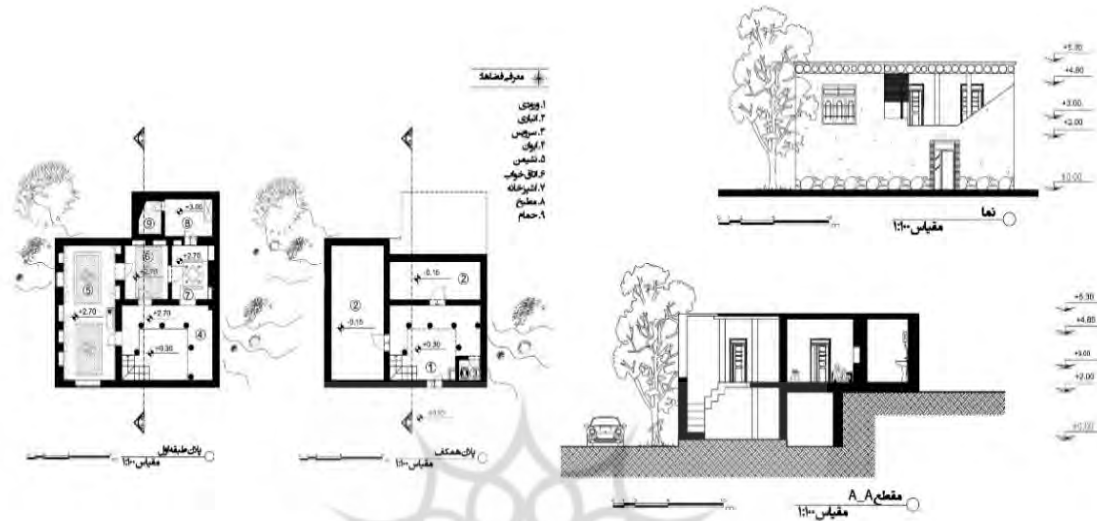
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴

۴. یافته‌های تحقیق

۱.۴. گونه‌شناسی مسکن روستایی نمونه‌های موردی تحقیق

دستاوردهای این مقاله شامل مباحث شناختی و معرفی مسکن روستایی، و ثبت عناصر و عوامل فضایی - کالبدی تأثیرگذار در

شکل‌گیری این نوع از مسکن است. در ادامه سعی می‌شود نتایج حاصل از برداشت‌ها و مطالعات میدانی صورت‌گرفته، به صورت تصاویر، نقشه‌ها، آمار و ارقام و توضیحات به منظور تشریح، توصیف و تحلیل یافته‌های پژوهش در قالب جدول جمع‌بندی ارائه شوند.



شکل ۹- نمونه برداشت و تحلیل خانه‌ای در روستای فریزی

مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۲)

جدول ۱- ارزیابی عناصر فضایی - کالبدی در نمونه‌های موردی پژوهش حاضر

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴

فریزی	دیزباد بالا	آبدالیک	نام روستا	
غلبه توده ۸۰٪	غلبه توده ۱۰۰٪	غلبه توده ۶۰٪	غلبه توده	نسبت توده فضا
غلبه فضا ۱۰٪	غلبه فضا ۰٪	غلبه فضا ۲۵٪	غلبه فضا	
برابر ۱۰٪	برابر ۰٪	برابر ۱۵٪	برابر	
حیاط در وسط ۱۰٪	حیاط در وسط ۰٪	حیاط در وسط ۳۳٪	حیاط در وسط	شکل و هندسه حیاط

حیات با هندسه ساده	حیات و توده قرینه و مجاور هم ۲۶٪	حیات با هندسه ساده (حیات مجاور و به قرینه توده) ۲۰٪	حیات به قرینه توده (به هندسه ساده) ۴۰٪
حیات با هندسه مرکب	حیات با هندسه مرکب (ترکیب چند حیات) ۱۱٪	حیات با هندسه مرکب (ترکیب چند حیات) ۱۳٪ *استثنا: شامل دو حیات مجزا	حیات با هندسه مرکب (ترکیب چند حیات) ۱۰٪
حیات در کنج	حیات باقی مانده در کنج ۲۱٪	حیات باقی مانده در کنج ۲۰٪	حیات باقی مانده در کنج ۴۰٪
فاقد حیات	فاقد حیات ۱۰٪	فاقد حیات ۲۷٪	فاقد حیات ۱۰٪
نوع جهت گیری مرتبط با باد	جهت گیری مطلوب ۶۲٪	جهت گیری مطلوب ۷۳٪	جهت گیری مطلوب ۷۰٪
جهت گیری نامطلوب	جهت گیری نامطلوب ۳۷٪	جهت گیری نامطلوب ۲۷٪	جهت گیری نامطلوب ۳۰٪
نوع جهت گیری مرتبط با تابش	جهت گیری مطلوب ۸۵٪	جهت گیری مطلوب ۹۰٪	جهت گیری مطلوب ۸۵٪
جهت گیری نامطلوب	جهت گیری نامطلوب ۱۵٪	جهت گیری نامطلوب ۱۰٪	جهت گیری نامطلوب ۱۵٪
نحوه ارتباط پر و خالی	فضای واسط (نیمه‌باز) دارد ۸۵٪ فضای واسط (نیمه‌باز) ندارد ۱۵٪	فضای واسط (نیمه‌باز) دارد ۷٪ فضای واسط (نیمه‌باز) ندارد ۹۳٪	فضای واسط (نیمه‌باز) دارد ۵۰٪ فضای واسط (نیمه‌باز) ندارد ۵۰٪

هم‌جواری در پلان یا مقطع	هم‌جواری ۰٪	هم‌جواری ۶۵٪	هم‌جواری ۱۰۰٪* * استثنا: ۴۰٪ هم‌جواری هم در پلان و هم در مقطع است.
نحوه چیدمان (تفکیک) حوزه‌های عملکردی (انسان و دام - خدماتی)	جدا ۰٪	جدا ۳۵٪	جدا (عدم هم‌جواری در پلان و مقطع)
تفکیک حریم	رعایت سلسله مراتب محرمیتی ۶۴٪ عدم رعایت سلسله مراتب محرمیتی ۳۶٪	رعایت سلسله مراتب محرمیتی ۲۳٪ عدم رعایت سلسله مراتب محرمیتی ۷۷٪	رعایت سلسله مراتب محرمیتی ۷۰٪ عدم رعایت سلسله مراتب محرمیتی ۳۰٪
ارتباط عمودی	ارتباط عمودی ۶۶٪	ارتباط عمودی ۷۰٪	ارتباط عمودی ۵۰٪
نوع سازماندهی و ارتباطات فضایی (عرضه‌های زیستی - خدماتی)	ارتباط افقی از طریق راهرو ۲۷٪	ارتباط افقی از طریق راهرو ۲۰٪	ارتباط افقی از طریق راهرو ۰٪
ارتباط افقی از طریق حیاط	ارتباط افقی از طریق حیاط ۷٪	ارتباط افقی از طریق حیاط ۱۰٪	ارتباط افقی از طریق حیاط ۱۰٪ * استثنا: ارتباط هم افقی و هم عمودی ۴۰٪
مصالح	خشت، سنگ، چوب ۹۰٪ سایر ۱۰٪	خشت، سنگ، چوب ۸۰٪ آجر، سیمان، آهن ۲۰٪	خشت، سنگ و چوب ۸۰٪ آجر، سیمان، آهن ۲۰٪

^۱ فضای واسط بین فضای پر و خالی؛ ایوان، تراس و غیره.

^۲ هم‌جواری در پلان یا مقطع

فضایی و مناسبات اجتماعی- اقتصادی و نیز تأثیرات فرهنگی به شمار می‌رود (سعیدی و امینی، ۱۳۸۹، ص. ۳۲). بنابراین، موفقیت در زمینه برنامه‌ریزی روستا و مسکن روستایی در گرو شناخت کیفیات مذکور است (سرتیپی پور، ۱۳۹۱).

۲.۴. ویژگی‌های عمومی مسکن روستایی مورد مطالعه

به طور کلی، می‌توان برخی ویژگی‌های عمومی مشترک و غالب گونه‌های مسکن روستایی را به صورت زیر برشمرد:

سکونت‌گاه روستایی به عنوان چشم‌انداز فرهنگی حاصل از تعامل بین انسان و محیط (شمس الدینی، ۱۳۸۷، ص. ۴۰) است. معماری خانه روستایی در پاسخ‌گویی به شرایط محیطی (آب و هوایی)، موقعیت خاص فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، عناصر ویژه‌ای را عرضه کرده است (هدایت و طبائیان، ۱۳۹۱، ص. ۵۲). می‌توان گفت، علاوه بر ویژگی‌های محیط طبیعی، شکل و الگوی خانه‌های روستایی به نحوی آشکار بازتاب روابط کالبدی-

۴- نوع سازمان‌دهی و ارتباطات فضایی: در غالب نمونه‌های مورد مطالعه، نظم و سازمان فضایی- عملکردی مسکن روستایی به این صورت است که عرصه طبقه هم‌کف به فضای دام و خدمات اختصاص می‌یابد و طبقات بالا به عنوان فضاهای زیست مورد استفاده قرار می‌گیرد و کانال ارتباطی این دو بخش اصلی به صورت عمودی است و در کنار این، عمده ارتباطات افقی در فضای پوشیده‌راه‌رو است.

۸- مصالح: به تبع ضروریات منطقه‌ای- جغرافیایی در شیوه ساخت‌وساز مسکن روستایی، سنت استفاده از مصالح بومی- محلی به‌وضوح رایج است.

۵. بحث، نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش، دیگر مطالعات صورت‌گرفته را تأیید می‌کند. شایان ذکر است که در بررسی مسکن روستایی، مجموعه‌ای از عناصر دخالت دارند که باید به این عناصر، به صورت کلی و سیستمی (صیدایی؛ قاسمیان، ۱۳۹۱، ص. ۸۹) نگرینسته شود. این مطالعات، بیان‌گر این نکته است که در تحلیل وضعیت مسکن روستایی، می‌توان به بررسی کارکردهای فضایی- کالبدی آن استناد کرد (لی، لانگ و لیو، ۲۰۱۵). شمس‌الدینی (۱۳۸۷) سکونت‌گاه روستایی را به عنوان چشم-اندازی فرهنگی از عوامل و نیروهای درونی و بیرونی تأثیرپذیر می‌داند. حسینی، ضیایی، حق شناس، مهدیار و حسینی (۱۳۹۰) در پژوهش خود، جمع‌بندی الگوهای مؤثر بر گونه-شناسی مسکن روستایی را طبق الگوهای فضایی- عملکردی و اقلیمی ممکن می‌دانند که در این بین، نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در کنار مقتضیات جغرافیایی به عنوان عوامل مؤثر شناسایی می‌کنند.

طبق پژوهش حاضر عناصر فضایی- کالبدی شکل‌دهنده مسکن روستایی را می‌توان در قالب مؤلفه‌های: نسبت توده فضا، نوع جهت‌گیری مرتبط با باد و تابش، شکل و هندسه حیاط، ابعاد و اندازه فضاها، نحوه چیدمان و تفکیک حوزه‌های عملکردی، نحوه ارتباط پر و خالی، چگونگی تفکیک حرایم، نحوه سازمان‌دهی و ارتباطات فضایی و نوع مصالح ساختمانی مورد استفاده بیان کرد. در مجموع، این پژوهش، مسکن روستایی را متأثر از چهار زمینه کلی در نظر می‌گیرد. این چهار زمینه شامل شرایط منطقه‌ای، جغرافیایی، اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی هستند که به ترتیب، شرایط اجتماعی- فرهنگی در کنار فعالیت‌های اقتصادی ساکنان، ویژگی‌های معیشت مسکن

۱- نسبت توده فضا: عموماً ترکیب فضای زیستی، خدماتی و دام- طیور، حداکثر اشغال سطح زمین را به خود اختصاص می‌دهد. استفاده حداکثری از موهبات مسکن (آسایش محیطی حاصل از مسکن)، در دسترس داشتن عملکردهای ضروری مرتبط با مسکن روستایی، گونه‌ای از مسکن را که ارتباط نزدیکی با معیشت روستایی دارد، ارایه می‌دهد.

۲- شکل و هندسه حیاط: رعایت جنبه‌های عملکردی؛ بهره و استفاده حداکثری از فضای حیاط، بر جنبه‌های ظاهری غلبه دارد. غلبه تعداد حیاط‌های با اشکال ساده در کنار غلبه تعداد حیاط‌های کنج با مساحت‌های کمتر، خود نشان‌گر این مطلب است.

۳- مطلوبیت جهت‌گیری‌ها مرتبط با باد و تابش: در نحوه جهت‌گیری ساختمان‌ها، هرچند که عموماً جهت‌گیری‌های ساختمانی مرتبط با باد و تابش مطلوب است؛ ولی، مطلوبیت جهت‌گیری‌ها نسبت به میزان و کیفیت سایه و تابش دریافتی از جهت‌گیری‌ها نسبت به جهت باد (غالب، مطلوب و مزاحم) وضعیت بهتری را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد درک ارتباط چگونگی انتظام فضایی مسکن با میزان و کیفیت تابش دریافتی نسبت به باد غلبه داشته است.

۴- نحوه چیدمان (تفکیک) حوزه‌های عملکردی: هم‌جواری انسان، دام و خدمات از ملزومات طراحی بوده است. دام و خدمات از عناصر اصلی ساختار معیشتی خانواده روستایی محسوب می‌شوند.

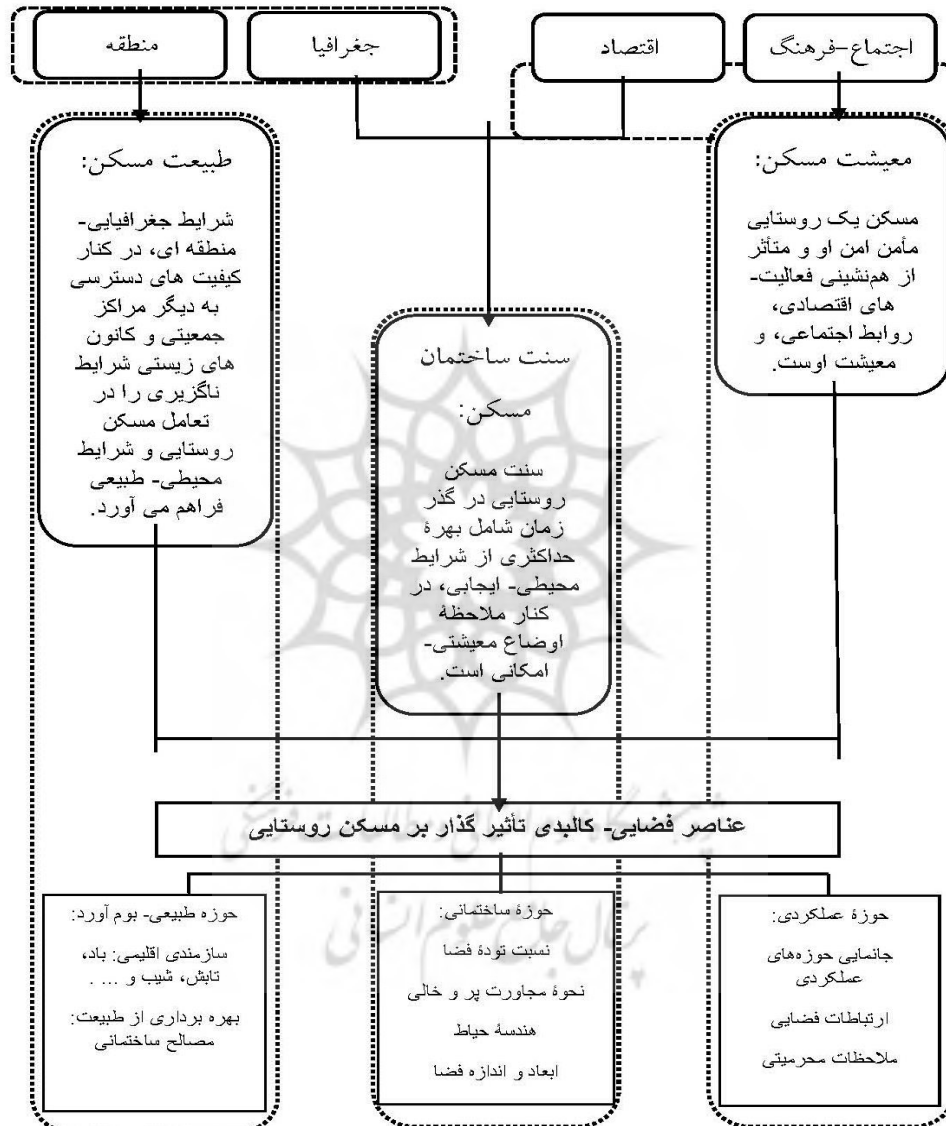
۵- جانمایی گونه‌های فضایی (حضور یا عدم حضور فضای واسط پر و خالی): نحوه کنار هم‌نشینی گونه‌های مختلف فضایی (فضای پر، فضای خالی و فضای واسط) می‌تواند این گونه بیان کرد که حضور یا عدم حضور فضای واسط بین فضاهای پر و خالی بیشتر از جنبه ایجاد شرایط آسایش محیطی و لحاظ سلسله‌مراتب محرمیتی توجیه‌پذیر است. در مجموع، حضور یا عدم حضور فضای واسط بین فضای پر و فضای خالی همچون بالکن، تراس، بهارخواب یا مهتابی، دالان و غیره تفاوت معنی-داری را نشان نمی‌دهد که می‌توان این مورد را در قالب پاسخ به ضرورت‌های عملکردی مطرح دانست.

۶- تفکیک حرایم (محرمیتی): تفکیک حرایم و رعایت سلسله‌مراتب محرمیتی در ساختار نظام مسکن روستایی مورد ملاحظه بوده است، به گونه‌ای که پیچیدگی ارتباط عملکردی فضاها در مسکن روستایی مانع مراعات سلسله‌مراتب محرمیتی که جزو ملاحظات فرهنگی مسکن روستایی است، نشده است.

نظام توسعه کالبدی روستایی بیش از پیش مورد تأکید قرار می‌گیرد.

بنابراین می‌توان اذعان داشت که پاسخ صحیح به مسأله طراحی مسکن روستایی می‌بایست در قالب سه دسته کلی: حل مسائل عملکردی، حل مسائل طبیعی، و حل مسائل ساختمانی مسکن نمایان شود.

روستایی، شرایط منطقه‌ای و جغرافیایی، ویژگی و خصوصیات طبیعی (طبیعت) مسکن روستایی و در نهایت، تعامل این دو بعد کلی معیشت مسکن و طبیعت مسکن، سنت ساختمان مسکن روستایی را شکل می‌دهند. با توجه به تحقیق حاضر، لزوم توجه به شرایط زمینه‌ای در حوزه طراحی و برنامه‌ریزی



شکل ۱۰- دیاگرام تحلیلی- استنباطی؛ عناصر فضایی- کالبدی تأثیرگذار بر مسکن روستایی

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴

آقای مهندس مجید یزدانی گردآوری شده است که به این وسیله مراتب سپاس‌گزاری خود را از این عزیزان اعلام می‌داریم.

یادداشت‌ها

1. Idalik
2. Case study
3. Mixed- method
4. Stake

- سپاس‌گزاری

قسمتی از داده‌های برداشت‌شده این مقاله توسط دانشجویان کارشناسی معماری دانشگاه فردوسی مشهد در درس روستا (۱) به راهنمایی نگارنده اول این مقاله و به همت

- | | |
|--------------------|---------------------|
| 8. Yin | 5. Merriam |
| 9. Tolun | 6. Cresswell |
| 10. Li, Long & Liu | 7. Unit of Analysis |

کتابنامه

1. Abdolhosseini, J. (1390/2011). Adapting the design of Tabriz houses with vernacular culture and climate. *Bagh Nazar Journal*, 8(18), 13-24. [In Persian]
2. Ahari, Z., Habibi, S. M., Khosro Khavar, F., & Arjman Nia, A. (1377/1988). *Affordable housing*. Tehran: Housing Research Center, Ministry of Housing and Urbanism. [In Persian]
3. Anabestani, A. (1393/2014). Study of the effects of social changes in rural life on rural housing pattern (Case Study: Binalud County). *Journal of Research & Rural Planning*, 3(5), 57-68. [In Persian]
4. Azkia, M., & Ghafari, G. H. (1386/2007). *Rural development, emphasizing on Iran's rural society*. Tehran: Ney Publications. [In Persian]
5. Creswell, J. W. (1998). *Qualitative inquiry and research design; Choosing among five traditions*. London: Sage Publications.
6. Gharenejad, H. (1381/2002). *Nature and architecture*. Esfahan: Golhaye Mohamadi Publications. [In Persian]
7. Haeri Mazandarani, M. (1388/2009). *House, culture, and nature*. Tehran: Center for the Study and Research of Urbanism and Architecture, Ministry of Housing and Urbanism. [In Persian]
8. Haji Ebrahim Zargar, A. (1385/2006). *Analyzing rural architecture of Iran*. Tehran: Shahid Beheshti University Publications. [In Persian]
9. Hedayat, A., & Tabaeian, S. M. (1391/2011). Styyy ff mmmiii gg ll mnttt s ff Busrrrr histrr iaal frrr ic s houses. *Journal of City and Vernacular Architecture*, 3, 35-54. [In Persian]
10. Hosseini Abri, S. H. (1380/2001). *Study of Iran's rural geography*. Esfahan: Esfahan University Publications. [In Persian]
11. Hosseini, B., Ziaei, M., Hagh Shenan, J., Mahdyar, L., & Hosseini, M. (1390/2011). Vernacular architecture in Taleghan alley settlement, A look at rural housing Taleghan. *Journal of Honar University*, 7, 5-23. [In Persian]
12. Housing Foundation of Iran. (1390/2011). *Master plan of Aydelik, Dizbad Bala, and Ferizi villages*. Mashhad: Housing Foundation of Khorasan Razavi Province. [In Persian]
13. Li, Y., Long, H., & Liu, Y. (2015). Spatio-temporal pattern of China's rural development: A rurality index perspective. *Journal of Rural Studies*, 38(5), 12-26.
14. Memarian, Gh., & Tabarsa. M. (1392/2013). Architecture typology. *Journal of Organization of Iran Architecture and Urbanism*, 6(1), 103-114. [In Persian]
15. Merriam, S. B. (1998). *Qualitative research and case study application in education*. San Francisco: Jossey-Bass Publication.
16. Mokhber, A. (1363/1984). *Housing and social dimension: Goals, criteria, indicators social and public participation*. Tehran: Planning and Budget Organization Publications. [In Persian]
17. Pormohamadi, M. (1387/2008). *Housing planning* (5th ed.). Tehran: Samt Publications. [In Persian]
18. Pourdeyhimi, Sh. (1380/2001). Culture and housing. *Rural Housing and Environment Journal*, 30(134), 3-18. [In Persian]
19. Rapaport, A. (1388/2009). *Anthropology of housing* (Kh. Afzaliyan, Terans.). Tehran: Honarmand Publications. [In Persian]
20. Saeedi, A., & Amini, F. (1389/2010). Settlement unsustainability and functional evolution of rural housing. *Quarterly Journal of Iran Geography Organization*, 8(27), 29-43. [In Persian]
21. Sartipipour, M. (1386/2007). Housing architecture in villages of Iran. *Quarterly Journal of Housing and Revolution*, 119, 2-15. [In Persian]
22. Sartipipour, M. (1391/2012). Localization approach of architecture in villages of Iran. *Quarterly Space Economic and Rural Development Journal*, 1(2), 129-146. [In Persian]
23. Seydayi, A., Ghasemian, Z. (1391/2012). Study of functional changes of rural houses (Case Study: Gorji Mahaleh Village in the Behshahr County, Mazandaran Province). *Spatial Planning Journal*, 2(1), 87-106. [In Persian]

24. Shamsodini, A. (1387/2008). The position of rural housing in relationship between physical-spatial changing of villages and urban environment. *Journal of Housing and Revolution*, 29(124), 40-51. [In Persian]
25. Shayan, H., & Kohnepoushi, H. (1392/2013). An investigation of rural immigration the Kavar and Mirabad district in the Marivan County. *Journal of Research & Rural Planning*, 2(1), 115-141. [In Persian]
26. Sozen, M., & Gedik, G. (2007). Evaluation of traditional architecture in terms of building physics: Old Diyarbakir. *Building and Environment*, 42(1), 1810-1816.
27. Stake, R. (1995). *The art of case study research*. London: Sage Publications.
28. Tolon, B. (1384/1995). *Settlement geography in residential rural area* (M. Zaheri, Trans.). Tabriz: and Amidy Publications. [In Persian]
29. Vosoughi, F. (1377/1998). *Housing in Khorasan*. Mashhad: Paz Publications. [In Persian]
30. Yin, R. K. (2003). *Case study research (Design and methods)*. London: Sage Publications.
31. Zaker Haghighi, Z., Majedi, H., & Habib, F. (1388/2009). Specifying effective indicators on typology of urban fabric. *Journal of City Identity*, 5(7), 105-112. [In Persian]



An Analysis of Effective Physical-Spatial Elements in Rural Housing (Case Study: Villages of Dizbad-e-Bala, Frizi, and Aydalik)

Abasalt Askari Ranbari¹– Shahab Abbaszadeh^{2*}– Ali Asghar Abroon³

1- Lecturer in Architecture, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

2- Assistant Professor in Architecture, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

3- MSc. in Urban Design, Art University of Tehran, Tehran. Iran.

Received: 17 May 2015

Accepted: 22 November 2015

Extended Abstract

1. INTRODUCTION

Koors s rrrll uuuiigg, like tteer rggiss of Iran, is consistent with the environmental, cultural, social and economic conditions. However, unfortunately, despite good efforts made by the relevant agencies to assist physical and spatial developments, there have been confusion and misdirection about implementing the needs, facts, and traditions of rural lifestyles.

2. THEORETICAL FRAMEWORK

Environment, and in the body of it, housing and building are known as innovation and exquisite artifacts of human in every culture and civilization, where it still has, tremendous utility and complexity in all its dimensions. Housing concept is known as a vast and complex issue, where it is difficult to present a unified definition for it. The most original and at the same time the most complicated kind of settlement for sedentary people is rural housing. In doing so, generally, vernacular architecture and especially rural architectural has direct, immediate, and strong connection with rural culture and everyday activity in villages. Rural housing is known as a multifaceted and sophisticated phenomenon, from this point of view. Rural housing is more than a shelter and plays the role of not only a resort, but it also has a generative and livelihood role like a warehouse and workshop in rural areas. Compatibility between house and natural vvvirmmtt , villggrr mmmrt ttiliztinn ff vernacular and accessible materials for housing, immediate and direct connection with the culture and everyday life of people, and being influenced by social norms like contentment, are the most important characteristics of this type of rural architecture. With the aim of providing proper living conditions and affected by socio°cultural, economic, and physical spatial factors, rural housing has been formed. Finally, effective physical°spatial factors on rural housing typology

can be categorized as: Ratio of mass and open space, the separation of functional zones, the relationship between mass and open space, type of building orientation affected by wind direction and sun radiation, the separation of private and public territories, type of spatial organization relationships, and type of building materials.

3. METHODOLOGY

Using a descriptive and inferential method, the data was gathered by studying documentary sources and observation of the residential buildings of Naghandar, Dizbad e Bala, Frizi, and Aydalik. The research begins with the introduction of physical, activity, and climate components affecting the rural housing typology and, then, analyzes the mentioned components within the framework of the study samples using maps and descriptive-analytical diagrams. Finally, it explains the effective formation factors of physical-spatial elements of rural housing.

4. FINDINGS

Giving an introduction of rural housing, the paper presents relevant issues and recorded influences of the formation of the issues with tables, figures, and maps. In general, common characteristics of rural housing are as follows: generally, maximum portion of the house is dedicated to the yard space and other necessary elements, including service, manufacturing, warehousing, and storage of livestock and poultry, etc., rather than the visual aspects of the house. It can be expressed that the maximum use of the house, including environmental convenience, and its availability to life necessities of rural housing offer a type of housing closely associated with rural living. In this type of housing, proximity of humans to livestock and services is vitally required. Livestock and services are the main elements of rural livelihood. Although buildings are orientated to the direction of wind and solar radiation, the orientation toward light is more desirable than that of wind. Regarding the spatial types (space fillings, empty

*. Corresponding Author: shahab.arch@gmail.com

spaces, and the interfaces), it can be stated that, the presence or absence of the interface is only justified in terms of providing environmental comfort and intimacy. Intimacy has always been an important issue in a way that it does not overlook the complexity of relationships in rural housing. In terms of order and spatial-functional structure of the rural housing, the ground floor is allocated to livestock and services and upper floors are used as living spaces. They are connected by a vertical path, along which the horizontal connection is through the covered hallway. Moreover, due to the geographical-regional requirements, local materials are commonly used in the housing construction.

5. CONCLUSIONS

In general, rural housing is affected by four elements of regional, geographical, social, and cultural factors that, together, form the structure of rural housing. According to this study, paying attention to the rural background in designing and planning of physical developments is highly advised. From this perspective, the solution to the rural-housing designing problem can be categorized into three main sections of resolving functional, natural, and constructional problems.

Key words: Rural housing, rural housing types, physical-spatial elements, Razavi Khorasan.

How to cite this article:

Askari Rabari, A., Abbaszadeh, Sh. & Abroon, A. A. (2016). An analysis of effective physical-spatial elements in rural housing (Case study: Villages of Dizbad-e-Bala, Frizi, and Aydalik). *Journal of Research & Rural Planning*, 4(4), 177-193.

URL <http://jrrp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/46814>

ISSN: 2322-2514

eISSN: 2383-2495





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی